

# حقوق جسمانی متهم در مرحله‌ی تحت‌نظر در نظام حقوقی ایران و فرانسه

محمد متین‌پارسا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۴

از صفحه ۹۱ تا ۱۱۶

## چکیده

**زمینه و هدف:** اصل برائت ایجاب می‌کند حقوق متهم به‌عنوان عضوی از جامعه، از سوی دیگران، از جمله توسط دستگاه قضایی و نیروهای انتظامی رعایت شود، اما برخورداری از ابعاد گوناگون، سهم بودن بازیگران متعدد و چندمرحله‌ای بودن این امر، گاه باعث مغفول ماندن برخی حقوق متهم می‌شود؛ بنابراین جهت حفظ توأمان حقوق متهم (شهروند) و جامعه ضروری است ابعاد و جلوه‌های گوناگون این حقوق مورد اشاره قرار گیرد.

**روش تحقیق:** این تحقیق از نظر هدف کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها:** در این راستا می‌توان به یکی از مهم‌ترین مراحل این فرایند؛ یعنی به مرحله‌ی تحت‌نظر قرار گرفتن متهم اشاره نمود که در آن هنوز دستور رسمی از سوی مقامات دادسرا صادر نشده و ضابطان مقدمات ورود متهم به چرخه‌ی رسیدگی قضایی را فراهم می‌کنند. در این مقطع که عموماً نخستین برخورد فرد و دستگاه قضایی را به همراه دارد، حقوق متصور برای متهم در ابعاد گوناگون در معرض تهدید قرار خواهد گرفت که شاید ابتدایی‌ترین و محتمل‌ترین آن‌ها، حقوق جسمانی متهم باشد.

**نتیجه‌گیری:** نوشته‌ی حاضر نیز با مدنظر قرار دادن همین بُعد از حقوق متهم، به تطبیق مواضع حقوقی ایران و یکی از نظام‌های حقوقی تأثیرگذار بر قوانین کشورمان (فرانسه) پرداخته و این مطلب را مطرح می‌کند که از مقایسه‌ی دو کشور در خصوص مصادیق تجلی‌یافته‌ی حقوق متهم در چارچوب موردبحث (ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت سلب آزادی از متهم، ضرورت تسریع در رسیدگی قضایی و حق بر مراقبت و توجه پزشکی)، می‌توان نوعی رویکرد حمایتی از حقوق متهم را در قوانین جمهوری اسلامی مشاهده نمود؛ با این حال کماکان نواقصی وجود دارد که شایسته است قانون‌گذار با تصمیم مناسب به برطرف نمودن آن‌ها اقدام نماید.

**کلیدواژه‌ها:** شکنجه، سلب آزادی، تسریع در رسیدگی، معاینه پزشکی، حقوق بشر.

## مقدمه

هرچند احتمال نقض هنجارهای قانونی و اجتماعی از سوی متهم توجیه‌کننده‌ی محدودیت‌های بهره‌مندی او از حقوق خود باشد، باین حال از آن جهت که او نیز فردی از اعضای بشر است، از حق‌های خود محروم نخواهند ماند. متهم غیر از مجرم است و چه بسیار متهمانی که در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر تبرئه می‌شوند. اگر متهم مجرم نیست باید همانند سایر شهروندان به او نگاه کنیم و تا زمانی که حکم محکومیت قطعی او صادر نشده با سایر افراد جامعه هیچ تفاوتی ندارد و از شأن و احترام برخوردار است. از همین رو ضروری است که با بررسی و تحلیل راه‌کارهای اتخاذشده از سوی قانون‌گذاران در جهت حمایت از حقوق متهم، مواضع قانونی را مورد ارزیابی قرار داد و نقاط قوت و ضعف آن را گوشزد نمود. در این ارتباط نوشته‌های متعددی در قالب مقاله، پایان‌نامه و رساله وجود دارند که بسیاری از آن‌ها نیز به‌صورت تطبیقی انجام‌گرفته‌اند، اما این تطبیق عموماً بین موازین حقوق ایران و فقه یا اسناد بین‌المللی بوده است. درحالی‌که در نوشته‌ی پیش‌رو وضعیت قواعد حقوقی ایران در مقایسه با موازین حقوق داخلی فرانسه به‌عنوان الگوی قانون‌گذار ایران، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این تطبیق به دلایل مختلفی صورت گرفته است. از جمله آن که فرانسه همواره به‌عنوان کشوری که از نظام حقوقی متری بر خوردار است، شناخته شده و شاید همین امر دلیل آن بوده که طی چند دهه‌ی گذشته یکی از منابع مهم و اثرگذار بر قوانین داخلی ما باشد؛ به‌ویژه می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اشاره نمود که تا حدود زیادی از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه الهام گرفته است. جدای از اثرپذیری قوانین داخلی از قوانین فرانسه، می‌توان این نکته را نیز در نظر گرفت که کشور مورد تطبیق، همانند ایران دارای نظام حقوق نوشته بوده و همین رویکرد سبب شده است به تدوین قواعد شکل دادرسی و همچنین تصریح به انواع و ابعاد گوناگون حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری اقدام نماید. برخلاف آنچه در کشورهایمانند انگلستان و ایالات‌متحده شاهد آن هستیم که حقوق متهم را باید از لابه‌لای قواعد، قوانین، اصول و پرونده‌های گوناگون استخراج نمود. این موارد روی هم‌رفته بدین معنا است که قوانین فرانسه می‌توانند

همواره منبعی ارزشمند جهت مطالعه‌ی تطبیقی در موضوعات مختلف و طبیعتاً موضوع مورد بحث، باشند.

با توجه به گسترده بودن مطالب در این حوزه موضوع به دو قید محدود می‌شود. نخست اینکه تنها بر مرحله‌ی تحت‌نظر قرار گرفتن متهم تمرکز می‌شود؛ زیرا این مرحله از یک طرف نخستین مواجهه‌ی فرد با فرایند دادرسی را رقم می‌زند و در همین مرحله، بخش اعظمی از مراحل بعدی پایه‌ریزی می‌شوند. نتیجه آنکه نادیده انگاشتن حقوق متهم در این مرحله می‌تواند دادرسی را به مسیر نادرستی هدایت کند. از سوی دیگر در این مرحله رسیدگی، امور به‌طور رسمی به مقامات دادگاه و دادسرا ارجاع نشده و تصمیمات از سوی ضابطان و در جهت فراهم نمودن مقدمات رسیدگی قضایی صورت می‌گیرد. قید دوم آنکه این نوشته تنها به آن دسته از حقوق متهم می‌پردازد که مرتبط با وضعیت جسمی-فیزیکی او هستند؛ زیرا این بُعد از حقوق متهم همواره به‌عنوان ابتدایی‌ترین حق‌هایی هستند که مورد نقض قرار می‌گیرند، اما در مقابل به دلیل پیوستگی‌شان با حق حیات، حق بر آزادی تن و ... از اهمیت بالایی برخوردار هستند.

بنابراین به بیان جلوه‌های حقوق جسمانی متهم در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی خواهیم پرداخت. در این راستا ابتدا به بیان موازین حقوق ایرانی اشاره نموده و سپس راه‌کار احتمالی قوانین فرانسه بیان خواهد شد و از این را در پی آن هستیم که تحلیلی از نقاط قوت و ضعف قوانین جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم.

### ۱. جلوه‌های حقوق جسمانی متهم در مرحله‌ی تحت‌نظر؛

در این نوشتار منظور از مرحله‌ی تحت‌نظر، مستفاد از مواد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲<sup>۱</sup>، زمانی است که ضابطان عام در راستای انجام وظایفشان در حدود

۱- ماده ۲۸: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به‌موجب قانون اقدام می‌کنند. ماده ۴۳- هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به‌عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب را اتخاذ می‌کند.

قانون و پیش از ارجاع امر به دادستان اقدام به دستگیری متهم و انتقال او به ایستگاه پلیس می‌نمایند... در صورتی که رسیدگی به امور به دادستان واگذار شود و سپس این مأموران به دستور مقام قضایی به انجام وظایف بپردازند، اقدام در صلاحیت آن مقام قضایی (بازپرس، دادستان یا قاضی) فرض شده و از شمول عنوان موردنظر خارج است. متهم نیز در معنای عام خود مورد استفاده قرار گرفته و اعم از این است که از سوی مقامات قضای تفهیم اتهام شده باشد یا خیر.

به‌علاوه از آن جهت که حق امری اعتباری بوده، نه تکوینی و تمامی حق‌ها قراردادهایی بین افراد بشر هست؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نقض هر یک از آن‌ها اثری بر بُعد معنوی انسان خواهد داشت؛ اما ملاک تقسیم‌بندی در این گفتار نه بر مبنای اثر حق پیش‌بینی شده، بلکه بر مبنای هدف آن است. برخی از حق‌ها هدف خود را حمایت از تمامیت جسمانی و جنبه‌های گوناگون آن از جمله حفظ آزادی انسان قرار داده‌اند، همان‌طور که برخی حقوق در پی حمایت و حفاظت از بُعد معنوی و روانی یا حیثیت متهم هستند. مباحث پیش‌رو تمرکز خود را بر دسته‌ی نخست، یعنی حقوق مرتبط به بُعد جسمانی انسان، معطوف می‌دارد.

در این راستا می‌توان چهار عنوان را به‌عنوان حقوق متهم در نظر گرفت که باید در مرحله‌ی تحت‌نظر نیز لزوماً رعایت شده و در صورت نقض آن‌ها بُعد فیزیکی و حیات جسمانی متهم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. این چهار مورد عبارت‌اند از «ممنوعیت شکنجه»، «ممنوعیت سلب آزادی از متهم»، ضرورت تسریع در رسیدگی قضایی» و «حق بر مراقبت و توجه پزشکی».

با انجام این پژوهش انتظار می‌رود نقاط قوت و ضعف قواعد حقوقی موجود در این

ماده ۴۴: ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد، اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

زمینه شناسایی شود، کاستی‌های آن‌ها مورد اشاره قرار گیرد و با استفاده از تجارب قانون‌گذاری در فرانسه تا حد ممکن راه‌کارهای مناسب ارائه شود.

۱-۲. ممنوعیت شکنجه: در دانش حقوق، شکنجه نوعی آزار و اذیت غیرقانونی به حساب می‌آید که بیشتر هدف از آن کسب اقرار است. در حقوق جزا شکنجه را چنین تعریف نموده‌اند «ایراد آزار به متهم و غیر متهم تا اقرار به بزه یا تعهدی کند» (جعفری لنگرودی ۱۳۹۲).

در طول تاریخ همواره شکنجه به صورت عملی مشروع و شیوه‌ای قانونی جهت انجام روند تحقیق و بازجویی مطرح بوده است؛ رایج‌ترین و قدیمی‌ترین شکل از اعمال شکنجه نیز، انجام رفتارهای خشونت‌آمیز بر جسم متهم بوده است. حال با توجه به اختیار ضابطان دادگستری مبنی بر دستگیری و در بازداشت نگاه‌داشتن متهم (ماده ۴۶ ق. آ. د. ک ۱۳۹۲) و پایه‌ریزی بخش اعظمی از مدارک و شواهد مراحل بعدی در همین زمان تحت‌نظر بودن، احتمال استفاده از شکنجه جهت دستیابی هرچه سریع‌تر به مستندات موردنیاز، افزایش می‌یابد؛ بنابراین ضروری است تمهیداتی در جهت جلوگیری از چنین اتفاقی اندیشیده شود.

پیش از پرداختن به قوانین کشورهای مورد مطالعه ضروری است نکاتی در خصوص شکل‌های گوناگون شکنجه یادآوری شود. شکنجه به جهت ماهیت عمل به دو نوع جسمی و روانی تقسیم می‌شود. شکنجه روانی نیز در دو نوع مستقیم و غیرمستقیم، ظهور می‌یابد. شکنجه‌ی روانی مستقیم، عبارت است از تحمیل هرگونه صدمات شدید روانی نسبت به متهم یا مجرم، به مباشرت یا معاونت یا با نظارت مأمور رسمی دولت یا شخصی که در سمت دولتی فعالیت می‌کند. در شکنجه‌ی روحی غیرمستقیم، بستگان و افراد وابسته به متهم تحت شکنجه قرار می‌گیرند. شکنجه به‌اعتبار قربانی جرم نیز در قالب دو نوع شکنجه‌ی متهم و غیر متهم قابل بررسی است. همچنین شکنجه را می‌توان به اعتبار انگیزه‌ی آن نیز مورد توجه قرار داد که از جنبه‌های بسیار مهم، اما مغفول این بحث هست. به این اعتبار می‌توان از شکنجه به جهت اخذ اقرار، به‌منظور کسب اطلاع، اجبار به ادای شهادت، تنبیه کردن و تهدید و ارباب نام برد (عبدالهی و منفرد ۱۳۹۰). ایدئال در این بحث آن است که در سه بعد تقنینی، قضایی و اجرایی

راهبردهای متنوع در جهت پیش‌گیری و مبارزه با شکنجه به هر نحو اعم از جسمی و روانی (مستقیم و غیرمستقیم) و با هر انگیزه، وجود داشته باشد.

بررسی اجمالی در مقررات و قوانین اساسی یا سایر قوانین عادی ۱۳۶ کشور جهان، بیانگر آن است که ۱۱۲ کشور - به طور ضمنی یا تلویحی - قوانینی در منع شکنجه دارند. البته واکنش دولت‌ها علیه شکنجه یکسان نیست (شفاهی ۱۳۹۳)؛ زیرا طرز تلقی از شکنجه و رفتارهای خشن و موهن متأثر از عادات جاری و خصوصیات فرهنگی هر یک از جوامع است؛ ولی نفی آن، یک قاعده‌ی عمومی است.

متن کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) در مورخه ۱/۵/۱۳۸۲ به صورت طرح قانونی که به امضای تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسیده بود، طی ماده‌واحده‌ای به شرح زیر و بدون هیچ حق شرطی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید: «به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، مشتمل بر یک مقدمه و سی‌وسه ماده مصوب نوزدهم آذرماه ۱۳۶۶ ملحق و اسناد مربوطه را تودیع نماید» (مهرپور ۱۳۸۳). گرچه کنوانسیون مزبور به صورت لایحه از سوی دولت تقدیم مجلس نشده بود؛ ولی طبق نامه‌ی معاون اول رئیس‌جمهور به معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور، موافقت هیئت‌وزیران با طرح مزبور در مورخه ۲۸/۲/۱۳۸۱ اعلام شده بود و معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور هم به‌عنوان نماینده‌ی دولت تعیین شد. هرچند شورای نگهبان (طی نظر شماره ۳۹۷۱/۳۰/۸۲ مورخ ۲۷/۵/۸۲) مصوبه مجلس را از این جهت که به صورت طرح بوده و بار مالی دارد، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی تشخیص داده و آن را تأیید نکرده و از بررسی و ذکر مواردی که با موازین اسلامی انطباق ندارند، خودداری کرده؛ اما به‌نظر می‌رسد عمده‌ی تعارض‌ها و مشکلات از جنبه‌ی اخیر مربوط به ماده‌ی ۱۶ کنوانسیون در خصوص تسری حکم ممنوعیت شکنجه به مجازات و همچنین پذیرش صلاحیت رسیدگی توسط کمیته‌ی حقوق بشر (ماده ۲۰) می‌شود.

باوجود نپیوستن ایران به کنوانسیون منع شکنجه، قوانین داخلی ایران تا حدی این موضوع را پوشش داده‌اند. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر

می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار، یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

بند ۹ ماده‌ی واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه‌ی متهم به‌منظور اخذ اقرار و اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین‌وسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت»؛ به‌موجب ماده‌ی ۶ همین قانون: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد». همان‌طور که مشخص است این ماده هرگونه ایدای فرد را در برمی‌گیرد و محدود به آزار جسمی نیست. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و حکم ماده‌ی ۷ این قانون، مواد نام‌برده در قانون احترام به آزادی‌های مشروع از ضمانت‌اجرا برخوردار شدند.<sup>۱</sup> باین‌حال قانون‌گذار ایران در جریان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به مقررات قانون اخیرالذکر اکتفا نکرده و مواد دیگری را به این موضوع اختصاص داد. ازجمله در ماده‌ی ۲۶۰<sup>۲</sup> و ماده‌ی ۱۹۵<sup>۳</sup> که هرگونه

۱- ماده ۷: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

ماده ۵۷۰ (اصلاحی ۱۳۸۱): هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۲- در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.

۳- بازپرس ... آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. تبصره- وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.

اجبار، اکراه یا استفاده از کلمات موهن توسط ضابطان دادگستری و بازپرس را ممنوع می‌کند.

ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) که ضمانت اجرای اعمال شکنجه (البته فقط به صورت جسمی) است مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

در همین رابطه باید از ماده‌ی ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز نام برد که به نحوی خلأ جرم‌انگاری شکنجه‌های غیر جسمی را پوشش داده است: «قراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید». با در نظر گرفتن این ماده و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان نتیجه گرفت که ضمانت اجرای کیفری شکنجه و آزار و اذیت روحی مستند به ماده‌ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (کتاب تعزیرات) خواهد بود. با این حال این ایراد همچنان وجود دارد که هردوی ماده ۱۶۹ و ۵۷۸، تنها به موردی پرداخته‌اند که هدف از شکنجه اخذ اقرار باشد. از طرفی تکلیف شکنجه‌های غیرمستقیم نیز به روشنی مشخص نیست.

هرچند در نظام قضایی فرانسه در بین قوانین (آیین دادرسی) داخلی مقرره‌ای که به طور مستقل به تعریف و منع شکنجه پرداخته باشد، مشاهده نمی‌شود، اما از این امر نمی‌توان کمبود یا نقصان مقررات جزایی را در موضوع موردنظر نتیجه گرفت؛ زیرا به موجب اصول و قواعد موجود در قوانین این کشور، از جمله ماده (اصل) ۵۵ قانون اساسی، سلسله‌مراتب بین هنجارهای در نظام حقوقی فرانسه بدین شکل است: ۱. قانون اساسی؛ ۲. معاهدات؛ ۳. قوانین عادی؛ ۴. اصول عمومی حقوق؛ ۵. مصوبات



دولتی و آیین‌نامه‌ها؛ ۶. اعمال اداری. نتیجه آنکه تعهدات بین‌المللی که فرانسه به آن‌ها پیوسته و به اجرا درآورده است، مرتبه‌ای بالاتر از قوانین داخلی داشته و لازم‌الاجرا هستند (شریعت باقری ۱۳۹۰: ۲۸۳)؛ بنابراین تمام مفاد کنوانسیون «منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز»<sup>۱</sup> از جمله بند ۱ ماده ۱ آن که شکنجه را تعریف نموده، تعهد به جلوگیری از اعمال شکنجه در قلمرو تحت صلاحیتشان از طریق اقدامات مؤثر تقنینی، اداری و قضایی و... تحت هر شرایطی (بند ۱ ماده ۲) و تعهد به جرم‌انگاری عمل شکنجه و شرکت یا معاونت در آن و وضع مجازات مناسب برای این جرم (ماده ۴)؛<sup>۲</sup> همچنین مفاد «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»<sup>۳</sup> که در به‌موجب ماده ۳ آن دولت‌های عضو موظف به تضمین حق آزادی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی هستند؛ را می‌توان جزئی از موازین حقوق داخلی فرانسه دانست.

مواد ۱-۲۲۲ و ۱-۲۱۲ قانون جزای فرانسه نیز ضمانت اجرای تعهدات فوق محسوب می‌شود. به‌موجب ماده ۱-۲۲۲ اعمال شکنجه پنج سال حبس به همراه خواهد داشت. ماده ۱-۲۱۲. قانون جزای جدید فرانسه (اصلاحی اوت ۲۰۱۳) نیز جرائمی تحت عنوان جرائم علیه بشریت برمی‌شمارد و بیان می‌کند «انتقال اشخاص، تنزّل آنان در حدّ برده، اعدام‌های بدون محاکمه وسیع و منظم، ربودن و ناپدید ساختن افراد و شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی، که ملهم از انگیزه‌های سیاسی،

#### 1- Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

۲- «عبارت شکنجه از نظر کنوانسیون حاضر به هر عمل عمدی که در اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخصی به‌منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا از شخص ثالث اعمال شود، اطلاق می‌گردد. همچنین تنبیه شخصی به خاطر عملی که وی یا شخص ثالثی انجام داده یا احتمال انجام آن می‌رود یا تهدید و یا اجبار او یا شخص ثالث، یا تنبیه شخص به هر دلیلی که مبتنی بر هر نوع تبعیض باشد شکنجه تلقی می‌گردد». مطابق این مقرر در صورتی این گونه اعمال رنج آور بدنی یا روحی شکنجه محسوب می‌شود که از جانب مقامات صلاحیت‌دار دولتی و یا با تحریک یا رضایت یا سکوت آن‌ها اعمال شده باشد. بند ۲ ماده ۱ هم این تعریف را معطل به سندی که محدود و مفهوم گسترده‌تری برای شکنجه در نظر گرفته نمی‌داند و اگر سند دیگری مفهوم گسترده‌تری را بیان نماید که طیف گسترده‌تر و مصدق بیشتری را مضمون عنوان شکنجه قلمداد نماید، سند اخیر مقدم خواهد شد.

۳- فرانسه در سال ۱۹۸۵ به کنوانسیون منع شکنجه پیوسته و در سال ۱۹۸۶ آن را اجرائی نموده است.

#### 4- The European Convention For the protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, European (ECHR)

فلسفی، نژادی یا مذهبی سازمان یافته بوده و در اجرای یک طرح و نقشه متفق علیه یک گروه از مردم غیرنظامی انجام گرفته باشد» (بوریگان ۱۳۷۸) محکوم به حبس ابد خواهد شد.

آنچه از ماده‌ی یک کنوانسیون منع شکنجه قابل اشاره است، گستردگی شمول آن خواهد بود که بر شکنجه‌ی روانی و جسمانی تصریح نموده است. همچنین شکنجه‌ی غیرمستقیم را در تعریف خود گنجانده است. در کنار این موارد باید افزود که هدف از اعمال شکنجه به یک انگیزه‌ی خاص محدود نشده است.

در مقام مقایسه‌ی داشته‌های حقوقی دو کشور می‌توان برداشت نمود که نظام کیفری فرانسه در نشان دادن واکنش به اعمال شکنجه با محدودیتی از لحاظ ماهیت و موضوع روبه‌رو نیست و انواع شکنجه اعم از روانی یا جسمانی، مستقیم یا غیرمستقیم و با هر انگیزه‌ای را در برمی‌گیرد.

در مقایسه، قوانین ایران علی‌رغم گام‌های روبه‌جلو که به واسطه‌ی تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تعیین ضمانت اجرا برای مفاد قانون حقوق شهروندی و همچنین ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برداشته است، از چند نظر کمبودهایی دارد. جدای از اجمال و ابهام‌های موجود در خصوص شکنجه‌های روانی، ضمانت اجرای موجود در قانون جزاً صرفاً شکنجه‌های بانگیزه‌ی کسب اقرار را پوشش می‌دهد و در صورتی که هدف از اعمال رفتار خشونت‌آمیز، کسب اقرار نباشد (جهت ارباب یا تبعیض‌های اقلیتی) مشمول ضمانت اجرای ماده ۵۷۸ نخواهد شد؛ بنابراین در ارتباط با مواد موجود در خصوص حفظ شهروندان از اعمال شکنجه‌ی جسمی، نیاز به اصلاح احساس می‌شود.

۲-۲. ممنوعیت سلب آزادی متهم: حق آزادی و امنیت شخصی یکی از مهم‌ترین حقوق بشری است که در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. حق آزادی و امنیت شخصی بدین معنا است که هر فردی در پناه قانون و موازین حقوق بشری حق دارد تا از آزادی و امنیت بهره‌مند شود (بهمنی قاجار ۱۳۸۶). در این چارچوب هرگونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی ممنوع بوده و سلب آزادی نیز استثنایی

است که تنها به وسیله‌ی مرجع صالح قانونی و مستند به آیین دادرسی قانونی و با رعایت موازینی ممکن می‌شود که از احترام به اصل آزاد بودن افراد ناشی می‌شود. در همین راستا قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران ابتدا در ماده‌ی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت بیان می‌کند که اصل برائت است و هرگونه اقدام محدودکننده‌ی سلب آزادی جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

باید این نکته را در نظر داشت که صرف توقف و دستگیری فرد شکلی از نقض آزادی فرد محسوب می‌شود؛ حال با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اجازه‌ی این سلب آزادی در شرایط خاص، در محدوده‌ی زمانی معین و در قالب تحت‌نظر قرار دادن، برای ضابطان دادگستری پیش‌بینی شده است؛ بنابراین ضروری است حدود این اختیارات که به‌طور واضح بعد جسمانی متهم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آشکار شده و در ابعاد گوناگون قیدهای لازم پیش‌بینی شود.

در همین چارچوب ماده‌ی ۴۴ حق ضابطان دادگستری برای بازداشت متهم را محدود به جرائم مشهود می‌نماید و در جرائم غیرمشهود اختیار آن‌ها محدود به اطلاع و کسب تکلیف از دادستان خواهد بود. همین ماده در ادامه قید دیگری آورده و می‌افزاید: «ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد». در خصوص تحت‌نظر قرار دادن متهم از سوی ضابطان نیز ذیل ماده‌ی ۴۶ همین قانون مقرر می‌کند: «... چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله‌ی آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت‌نظر قرار دهند». به عبارتی از یک‌سو باید یک دلیل مناسب برای سلب آزادی متهم وجود داشته باشد، اما با فرض وجود آن دلیل هم مدت سلب آزادی نمی‌تواند از مدت مقرر بیشتر شود.

در تکمیل موارد پیش گفته ماده‌ی ۱۸۹<sup>۱</sup> بازپرس را مکلف می‌نماید که طی ۲۴ ساعت از زمان آغاز تحت نظر بازجویی خود را آغاز کند. در صورت عدم رعایت این وظیفه جدای از مسئولیتی که متوجه بازپرس خواهد بود، ماهیت تحت نظر نیز غیرقانونی خواهد شد و متعاقباً اگر نتایجی مانند اقرار متهم را به همراه داشته باشد، باید حکم بر بی اعتباری آن داد.

نظام قضایی فرانسه که در بسیاری از موارد، به نوعی الگوی قانون گذار آیین دادرسی کیفری ایران نیز بوده، مطابق انتظار اقدام به ذکر این حق متهمین در قانون آیین دادرسی کیفری خود نموده است. در این قانون نیز می‌توان تصریح به اصل برائت را در ماده‌ی ۱۳۷ مشاهده نمود: «هر شخص تحت بررسی [متهم] بی گناه فرض می‌شود و آزاد باقی می‌ماند. به صورت استثنایی اگر الزامات نظارت قضایی یا حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی، اجازه‌ی دستیابی به این اهداف [ضرورت‌های تحقیق یا به عنوان تدابیر امنیتی] را ندهد، شخص تحت بررسی می‌تواند، بازداشت موقت گردد». همین معنا باری دیگر در ماده‌ی ۳۰۴ تکرار شده است که مقرر می‌کند: «... شک بر بی گناهی متهم است و شک باید به نفع او تفسیر شود...». هرچند این ماده برخلاف قانون ایران نه در بخش عمومات، بلکه در بین مواد مربوط به رسیدگی در دادگاه ذکر شده است؛ اما مسلماً این امر نمی‌تواند خدشه‌ای بر الفاظ مطلق آن وارد نماید.

جدای از اشارات کلی به این قاعده ملزومات آن در مراحل مختلف رسیدگی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. در این فرایند ابتدا ماده‌ی ۶۳ به بازتاب اصل برائت در خصوص تحت نظر قرار دادن متهم پرداخت و بیان می‌کند: «افسر پلیس قضایی می‌تواند به خاطر ضرورت تحقیقات، هر شخصی که یک یا چند دلیل قابل قبول مبنی

۱- بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده (۹۸) این قانون مبادرت به تحقیق نماید. در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس یا امتناع وی از شروع تحقیقات به دلایل قانونی، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضاء به دادرس دادگاه محول می‌کند. تبصره - تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.

بر ارتکاب جرم یا شروع به جرم توسط او وجود داشته باشد را تحت‌نظر قرار دهد. وی موظف است از ابتدای تحت‌نظر دادستان شهرستان را در جریان امر قرار دهد...» و همین ماده همچون ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، محدودیت زمانی مدت تحت‌نظر را تعیین می‌کند: «... شخص تحت‌نظر را نمی‌توان بیشتر از بیست و چهار ساعت در بازداشت قرار داد. باین حال حداکثر برای بیست و چهار ساعت دیگر، با اجازه کتبی دادستان شهرستان، می‌توان شخص را تحت‌نظر قرار داد. دادستان شهرستان می‌تواند این اجازه را منوط به معرفی اولیه شخص تحت‌نظر کند ... در پایان تحت‌نظر، اشخاصی که علیه آن‌ها ادله‌ای مبنی بر توجیه تعقیبات وجود داشته است، آزاد یا نزد دادستان شهرستان فرستاده می‌شوند». مفاد این ماده بار دیگر در ماده‌ی ۷۷ نیز تکرار شده است.<sup>۱</sup>

موضوعی که لازم است در ذیل همین عنوان بحث شود، برخورد افتراقی نظامی قضایی در ارتباط با جرائم امنیتی است. ممکن است یک متهم بدون ایراد اتهام و تنها بر اساس باور پلیس به ضروری بودن، در بازداشت بماند.

در قانون مجازات کشور فرانسه که به جرم‌انگاری و تعیین مجازات جرائم تروریستی پرداخته است، هیچ تعریف کلی وجود ندارد. جرائمی که اقدامات تروریستی را تشکیل می‌دهند در ماد ۴۲۱-۱ الی ۴۲۱-۶ قانون جزای فرانسه فهرست شده‌اند. این جرائم هنگامی به‌عنوان جرائم تروریستی شناخته می‌شوند که «عمداً با یک طرح هماهنگ فردی یا جمعی بوده و به‌قصد ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی صورت گیرد و باعث ارباب و وحشت مردم شود».<sup>۲</sup>

هنگامی که یک شخص مظنون به ارتکاب یا شروع به ارتکاب یک جرم تروریستی

۱. ماده ۷۷. افسر پلیس قضایی می‌تواند به‌خاطر ضرورت تحقیقات، هر شخص را که علیه وی یک یا چند دلیل قابل قبول مبنی بر احتمال ارتکاب جرم و یا شروع به جرم وجود دارد، نزد خود نگه دارد. وی از ابتدای تحت‌نظر، دادستان شهرستان را در جریان امر قرار می‌دهد. شخص تحت‌نظر را نمی‌توان بیش از بیست و چهار ساعت نگهداری نمود. دادستان شهرستان می‌تواند قبل از انقضای مدت بیست و چهار ساعت، مدت تحت‌نظر را برای حداکثر بیست و چهار ساعت دیگر تمدید کند. تمدیدی مذکور در صورتی تجویز می‌گردد که شخص مورد‌نظر ابتدا به دادستان شهرستان معرفی گردیده باشد.

۲. ماده ۶۳ قانون جزای فرانسه.

است، مدت ۴۸ ساعت بازداشت پیش از اتهام عادی معمول ممکن است دومرتبه (تا ۲۴ ساعت در هر مورد) افزایش یابد. باین حال قاضی آزادی و بازداشت<sup>۱</sup> یا قاضی تحقیق ممکن است به طور مستقیم افزایش ۴۸ ساعت را در صورتی که جهت انجام تحقیقات این امر قابل توجیه باشد، لازم بدانند.

مدت زمان بازداشت پیش از اتهام برای فردی که مظنون به دخالت در سازمان‌دهی یک حمله‌ی تروریستی قریب‌الوقوع باشد، می‌تواند افزایش یابد. هنگامی که اولین شواهد ناشی از تحقیقات یا خود بازداشت اثبات کند خطر جدی یک حمله‌ی تروریستی قریب‌الوقوع در فرانسه یا خارج از کشور وجود دارد یا ضرورت همکاری‌های بین‌المللی ایجاد کند، محدوده‌ی زمانی بازداشت معمول (۴۸ ساعت) قابل افزایش است:

- تا ۴ روز دیگر، بر اساس قواعد پیش‌گفته در بالا در مورد جرائم تروریستی پیش از ایراد اتهام؛
- تا دو روز دیگر (۲۴ ساعت اولیه و قابل تجدید تا ۲۴ ساعت دیگر) بر اساس تصمیم استثنایی قاضی آزادی و بازداشت.<sup>۲</sup>

در تمایزی آشکار نسبت به قانون کشور مورداشاره، مواد کنونی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات ۱۳۹۴، نمودی از برخورد افتراقی نسبت به جرائم امنیتی در خصوص تحت‌نظر قرار دادن مظنونان وجود ندارد. در این رابطه قانون‌گذار با تفکیک جرائم به مشهود و غیر مشهود، با توجه به ماده‌ی ۴۴ با ذکر عبارت «ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد»، تنها در قسم نخست اجازه‌ی بازداشت پیش از اتهام را به ضابطان دادگستری (مأموران پلیس) می‌دهد. صدر ماده ۴۶ مجدداً تأکید می‌کند که ضابطان در جرائم غیرمشهود حق

1- the liberty and detention judge

۲- ماده ۷۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

تحت‌نظر نگه‌داشتن متهم (مظنون) را ندارند.<sup>۱</sup> به‌هرروی با توجه به قسمت آخر ماده ۴۶ و تبصره‌ی ماده ۱۸۹ مدت تحت‌نظر در هیچ صورتی نمی‌تواند بیش از ۲۴ ساعت باشد.<sup>۲</sup> البته از تبصره ماده‌ی ۴۸ در خصوص حق دسترسی به وکیل شخص تحت‌نظر که در اصلاحات سال ۱۳۹۴ تغییر کرد، می‌شد به‌طور ضمنی برداشت نمود که در جرائم امنیتی تحت‌نظر قرار دادن فرد تا هفت روز مجاز خواهد بود.<sup>۳</sup> اما با تغییر این تبصره تمییزی بین جرائم امنیتی و غیرامنیتی (ازلحاظ مدت بازداشت پیش از اتهام) در قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد.

۲-۳. **ضرورت تسریع در رسیدگی قضایی:** سامانه‌ی عدالت کیفری به لحاظ تعدد مراجع قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری و گندی در کار قضایی، سردرگم است، اما تسریع در رسیدگی به جرم و صدور تصمیم نهایی و اجرای آن، مورد انتظار عموم افراد جامعه است. البته منظور شتاب و عجله در کار قضاوت نیست؛ زیرا کار قضایی نیاز به دقت و تعمق وافر دارد و اشتباه ناشی از بی‌توجهی، به علت سرعت، آثار زیان‌باری در بر خواهد داشت؛ بلکه منظور از تسریع این است که تا حد امکان دادرسی گام سریعی بدون اینکه به حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع و دسترسی به وکیل صدمه وارد آید، برداشته شود (کریشنان و کومار ۲۰۱۱).

از منظر حفظ حقوق متهم نیز با توجه به بی‌طرفی تشکیلات قضایی، مصلحت بزه‌کار ایجاب می‌کند که اگر دلایلی به نفع او وجود داشته باشد، در جمع‌آوری آن‌ها نیز اقدام عاجل صورت گیرد تا به علل مختلف محو یا مخدوش نشود و هرچه زودتر سرنوشت اتهام معلوم شود و از اضطراب و نگرانی رهایی یابد و در صورت محکومیت تدابیر و اقدامات اصلاحی و تربیتی زودتر آغاز گردد. در نتیجه دادرسی منصفانه و

۱- ضابطان دادگستری مکلف‌اند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت‌نظر نگه‌دارند.

۲- تبصره: تحت‌نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.

۳- تبصره: اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت‌نظر قرار گیرد تا یک هفته پس از شروع تحت‌نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

عادلانه ایجاب می‌کند متهم در مدت متعارف محاکمه شود و از اطالهی دادرسی و بازجویی تا سر حد ممکن ممانعت به عمل آید (تُلبرت و گاینر ۲۰۰۹). «هدف دقیق اصل این است که متهمان مجبور نباشند برای مدت طولانی تحت یک اتهام باشند تا اینکه اتهام وارده اثبات شود. رسیدگی‌های طولانی مدت می‌توانند فشار بسیاری بر متهمان وارد کنند و به‌طور بالقوه نگرانی‌های موجود مانند بی‌تکلیفی در مورد آینده، ترس از محکومیت و تهدید و ضمانت اجرایی با شدت نامشخص را تشدید کنند» (ترشل و سامرز ۱۳۸۵). توجه به این اصل هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله محاکمه و دادرسی از طرف مقامات قضایی الزامی است. مرحله تحت‌نظر نیز از این قاعده مستثنا نبوده و با توجه به شرایط خاص این بازه‌ی زمانی امکان خدشه وارد شدن بر حقوق متهم به‌ویژه حقوق مرتبط با بعد جسمانی او، وجود دارد. به‌عنوان مثال در صورت طولانی شدن این مدت ممکن است بی‌دلیل بر حق آزادی متهم و حق او بر ایمن بودن از سلب آزادی، آسیب وارد شود. همچنین نبود امکانات مناسب جهت نگهداری بلندمدت متهم در بازداشت (تحت‌نظر) پلیس، سبب می‌شود عدم تسریع در رسیدگی و پایان دادن به مرحله‌ی تحت‌نظر، بعد جسمانی متهم را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد.

در اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی به اصل محاکمه شدن متهم در مدت متعارف به‌عنوان رعایت حقوق متهم در بند ۱ قسمت «ج» ماده ۶۷ اشاره شده است.<sup>۱</sup> در بند ۳ قسمت «ج» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حقوق متهم اشاره شده و مقرر شده که «بدون تأخیر موجه در مورد متهم قضاوت شود». درنهایت می‌توان گفت در اسناد بین‌المللی به اصل تسریع بودن دادرسی اشاره شده است.

در ارتباط با اهمیت معقول بودن مدت بازداشت یا دادرسی، اشاره به این نکته حائز اهمیت است که ۷۰ درصد جمعیت زندانیان در بسیاری از کشورهای جهان، افرادی هستند که هنوز محاکمه نشده‌اند. این انبوه مظنونان به بزه‌کاری، هم برای متهمان

۱- ماده ۶۷ اساس‌نامه ۱: برای هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات اساس‌نامه به‌طور علنی و منصفانه و بی‌طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات محاکمه شود (ج) بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود.



بازداشت‌شده و خانواده آن‌ها و بزهدیدگان و هم برای جوامع و نظام قضایی که متحمل هزینه این بازداشت‌ها است، تبعاتی به همراه دارد. جدای از مشکلات فردی و مالی که بازداشت‌های طولانی پیش از محاکمه را به بار می‌آورد، این بازداشت‌ها ممکن است بر عادلانه بودن روند محاکمه و نیز اهداف مجازات تأثیر بگذارد (استیونز ۱۹۹۸).

در همین راستا، اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت باید حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود...». از مقررهای هم‌سو با این اصل قانون اساسی می‌توان از ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نام برد که مقرر می‌کند: «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند»؛ ماده‌ی ۹۴ همین قانون نیز رویکردی مشابه اتخاذ و بیان نموده: «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست» که البته برای تحقق این هدف مشخص نمودن مدت اقدامات قضایی به شکلی دقیق‌تر موردنیاز است و به‌صرف توصیه‌ی چنین حقی نظام قضایی راه از پیش نخواهد برد.

خوشبختانه قانون موردنظر جدای از بیان‌های کلی، در چندین مورد به موارد خاصی و با شکلی دقیق‌تر اشاره کرده است. از جمله در ماده‌ی ۱۸۵ بیان می‌شود که متهم پس از جلب باید بلافاصله نزد بازپرس حاضر شود و در هر صورت این مدت بیش از ۲۴ ساعت نخواهد بود.<sup>۱</sup>

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه طی مواد ۱۴۴-۱ و ۱۷۵-۲ قاعده‌ی کلی

۱- ماده ۱۸۵: ضابطان دادگستری مکلف‌اند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضائی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت‌زمان نگهداری در پرونده درج شود. به‌هرحال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست‌وچهار ساعت باشد. تبصره- رعایت مقررات مواد (۴۹) تا (۵۳) این قانون در خصوص متهمان موضوع این ماده الزامی است.

تسریع در رسیدگی را در خصوص تمام تحقیقات مورد پذیرش قرار داده است. ماده‌ی ۱۴۴-۱ به موضوع بازداشت موقت اختصاص داشته<sup>۱</sup> و ماده‌ی ۱۷۵-۲ بیانی کلی‌تر دارد.<sup>۲</sup>

در خصوص رعایت اصل سرعت در مرحله‌ی تحت‌نظر نیز می‌توان به ترتیب از مواد ۱۲۵،<sup>۳</sup> ۱۲۶،<sup>۴</sup> ۱۳۳،<sup>۵</sup> و ۱۳۵-۲<sup>۶</sup> یاد کرد که به ابعاد مختلف این وضعیت پرداخته‌اند (معاونت حقوقی قوه‌ی قضائیه ۱۳۹۱). در تمام این مواد از آغاز تحت‌نظر قرار گرفتن تا حضور نزد دادستان، در هر صورت بیش از بیست و چهار ساعت (البته تا ۲۴ ساعت دیگر برای بازجویی قابل تمدید است) زمان سپری نخواهد شد.

در نتیجه هر چند می‌توان اقدام قانون‌گذار در اشاره‌ی صریح و مکرر در مراحل مختلف رسیدگی به ضرورت تسریع در رسیدگی را مورد تقدیر قرار داد و در مقابل این نقد را وارد کرد که بازه‌ی زمانی مشخصی برای مراحل مختلف رسیدگی قضایی (غیر از مدت در بازداشت بودن) معین نکرده است، اما در خصوص مدت‌زمان تحت‌نظر یک بازه‌ی زمانی مشخص و کوتاه را مدنظر گرفته است که حتی در خصوص جرائم

۱- ماده‌ی ۱۴۴-۱، بازداشت موقت با توجه به شدت اعمال انتسابی به شخص تحت بررسی [مهم] و پیچیدگی تحقیقات ضروری برای کشف حقیقت، نمی‌تواند از یک مدت معقول تجاوز نماید.

۲- ماده‌ی ۱۷۵-۲، در کلیه‌ی موضوعات، مدت تحقیق نمی‌تواند از مدت معقول، با توجه به شدت اعمال انتسابی به شخص تحت بررسی [مهم] پیچیدگی بررسی‌های ضروری برای کشف واقعیت و اجرای حقوق دفاعی، تجاوز نماید....

۳- بازپرس باید فوراً شخصی را که موضوع دستور احضار است، مورد بازجویی قرار دهد. در همان شرایط، به بازجویی شخص بازداشت‌شده بر طبق دستور جلب، اقدام می‌شود. با این وجود اگر بازجویی نتواند فوراً انجام شود، این شخص می‌تواند حداکثر مدت بیست و چهار ساعت بعد از دستگیری، قبل از حضور نزد بازپرس یا در غیاب وی، رئیس دادگاه یا بازپرس منتخب او که فوراً به بازجویی وی اقدام می‌کند، توسط واحدهای پلیس یا ژاندارمری در بازداشت قرار گیرد؛ در غیر این صورت شخص آزاد می‌شود.

۴- هر شخص بازداشت‌شده بر طبق دستور جلب که بیش از بیست و چهار ساعت بدون اینکه تحت بازجویی قرار گرفته باشد، در بازداشت بماند، بازداشت وی غیرقانونی محسوب می‌شود. مواد ۴۲۳-۴ تا ۴۲۳-۶ قانون جزا در مورد قصات یا کارمندیانی که این بازداشت غیرقانونی را دستور داده یا آگاهانه تحمیل کرده‌اند قابل اجراست.

۵- شخص بازداشت‌شده بر طبق دستور بازداشت ظرف بیست و چهار ساعت پس از دستگیری، نزد بازپرس یا در غیاب وی، رئیس دادگاه یا قاضی منتخب او، برای انجام بازجویی و در صورت مقتضی تصمیم به بازداشت موقت او در شرایط پیش‌بینی شده توسط ماده ۱۴۵، حاضر می‌شود. در غیر این صورت شخص آزاد می‌شود. مقررات ماده ۱۲۶ قابل اجراست.

۶- شخص در بهترین مدت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از دستگیری نزد دادستان شهرستان دادگاه حوزه‌ای که در آن مرجع انشای رأی رسیدگی‌کننده به اعمال قرار دارد، هدایت می‌شود.

علیه امنیت نیز قابل نقض نیست.

۲-۴. حق بر مراقبت و توجه پزشکی: سلامت فردی، مهم‌ترین وضعیت مطلوب و کرامت هر انسانی محسوب می‌شود. از این رو حق بر سلامتی<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. واضح است که دولت‌ها نمی‌توانند صحت سلامتی و مطلوب بودن سلامتی افراد را تضمین نمایند، اما می‌توانند شرایطی فراهم آورند که در آن سلامتی افراد مورد حمایت قرار گیرد و دستیابی به سلامتی برای افراد ممکن شود.

مفهوم و تعریف سلامت به عنوان حق بشری، نظیر برخی مباحث و مسائل بسیار مبهم و اختلافی است. اصطلاحات متفاوت و متعددی جهت سلامتی به‌عنوان حق بشری به کار گرفته شده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به «حق بر مراقبت سلامتی»، «حق بر حمایت از سلامتی»، «حق بر مراقبت پزشکی»<sup>۲</sup> و حتی در مفهومی گسترده‌تر با عنوان «حقوق سلامت» اشاره نمود (لیری ۱۹۹۴).

تضمین سلامت، حیثیت و کرامت افرادی که در بازداشت پلیس هستند، یک ضرورت است. این امر جدای از گناه کار بودن یا بی‌گناهی آن‌ها و همچنین فارغ از شدت جرم ارتكابی است. رعایت چنین حقی در مورد متهم بدان معنا خواهد بود که لازم است تمام اقدامات ضروری جهت حفظ سلامت این فرد صورت گیرد که اعطا و رعایت حق بر مراقبت پزشکی یکی از راه‌کار تأمین‌کننده‌ی این هدف خواهد بود (Consensus conference: 2004). استفاده‌ی متهم از مراقبت‌های پزشکی به دو شکل می‌تواند حق بر سلامت او را تضمین نماید. از یک‌سو باعث رفع مشکلات بالفعل خواهد بود و از سوی دیگر با انجام معاینه و ثبت شرایط بالینی متهم، مانعی بر سر راه شکنجه ایجاد می‌کند و یا (در صورت وقوع شکنجه) به اثبات آن کمک می‌نماید.

حق معاینه‌ی پزشکی برای متهمان در قانون سابق آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ به رسمیت شناخته‌نشده بود، اما به‌موجب ماده ۵۱ قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ این حق

1-The Right to Health

2-The Right to Medical care.

برای متهمان در نظر گرفته شده است. به موجب این ماده «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». ماده ۵۲ قانون مذکور مقرر می‌کند: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

در ماده ۱۳۳-۱ حقوق فرانسه در حالات پیش‌بینی شده توسط مواد ۱۲۵، ۱۲۷ و ۱۳۳، هنگامی که شخص توسط واحدهای پلیس یا ژاندارمری، پیش از حضور قاضی، بازداشت می‌شود، دادستان شهرستان محل دستگیری به مجرد شروع این بازداشت مطلع می‌شود و شخص حق دارد در شرایط پیش‌بینی شده توسط ماده ۶۳-۲ یکی از نزدیکان خود را مطلع سازد و توسط یک پزشک معاینه شود. همچنین طبق ماده ۶۳-۲ هر شخص تحت نظر به درخواست خود، می‌تواند توسط یک پزشک که به وسیله‌ی افسر پلیس قضایی یا دادستان شهرستان تعیین می‌شود، مورد معاینه قرار گیرد (تدین ۱۳۹۱). در صورت طولانی شدن تحت نظر، او می‌تواند مجدداً تقاضای معاینه‌ی پزشکی نماید. در هر زمان، دادستان شهرستان یا افسر پلیس قضایی می‌تواند رأساً یک پزشک برای معاینه‌ی شخص تحت نظر انتخاب کند. یکی از اعضای خانواده‌ی شخص تحت نظر نیز می‌تواند چنین درخواستی داشته باشد. گواهی پزشک در ارتباط با وضعیت شخص، برای نگهداری در تحت نظر، در پرونده مربوط درج می‌شود (معاونت حقوقی قوه‌ی قضائیه ۱۳۹۱).

در مجموع با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ایران و مواد مربوط در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ اینکه حق استفاده از مراقبت پزشکی برای متهم تحت نظر به رسمیت شناخته و به علاوه گواهی پزشک در این مورد نیز باید در پرونده ثبت و ضبط شود، پیشرفت‌های مناسبی را نظام قضایی ایران شاهد بوده‌ایم. با در نظر گرفتن یکی از اهداف معاینه‌ی پزشکی در ابتدای تحت نظر قرار گرفتن، ایجاد مانعی بر اعمال شکنجه است، انتظار می‌رود معاینه

در هر صورت (و بدون نیاز به تشخیص ضرورت) صورت گیرد. خوشبختانه رویکرد قانون‌گذار ایران به‌همین ترتیب بوده است. همچنین مستفاد از مفاد ماده ۵۲ ق.آ.د.ک باید چنین گفت که ضابطان دادگستری مکلف هستند حق استفاده از مراقبت پزشکی را به افراد «تحت‌نظر» تفهیم نمایند (قاسمی ۱۳۹۴).

در نظر گرفتن ضمانت اجرای نقض این حق نیز (به‌موجب ماده ۶۳ ق.آ.د.ک)<sup>۱</sup> گام مثبتی بوده است، اما باید به این امر اشاره نمود که ضمانت اجرای مذکور در این ماده چه اداری، انتظامی یا حتی کیفری فرض شود، ثمره‌ی چندانی به حال متهم ندارد؛ بر این اساس شایسته بود ضمانت اجرایی جهت حفظ منافع متهم همچون «ابطال اقدامات صورت گرفته» نیز پیش‌بینی شود.

نکته‌ی پایانی آنکه در قانون ایران برخلاف فرانسه، مقررهای که بر اساس آن دادستان یا مقام قضایی دیگر رأساً اقدام به استفاده از معاینه‌ی پزشک برای شخص تحت‌نظر نماید وجود ندارد. به‌نظر چنین اختیاری از آن جهت که می‌توان مانع ادعاهای بعدی متهم مبنی بر شکنجه شدن شود، مفید و ضروری باشد.

### نتیجه‌گیری

حقوق متهم به‌عنوان فردی از اعضای جامعه همانند سایر افراد در پرتوی اصل برائت و فرض بر بی‌گناهی قابل‌احترام بوده و باید راه‌کارهای مناسبی جهت حمایت از آن اندیشیده شود. پیش‌شرط این امر، آشنایی و شناختن نقاط قوت و ضعف قوانین تضمین‌کننده‌ی حقوق متهم است، اما با توجه به گستردگی جلوه‌ها و ابعاد گوناگون این موضوع، شایسته است چارچوب‌های بحث محدودشده تا دقت بیشتری اعمال شود.

در این راستا، نوشته‌ی حاضر توجه خود را از یک‌سو به مرحله‌ی تحت‌نظر قرار گرفتن متهم (به‌عنوان نخستین مواجهه‌ی فرد با فرایند کیفری و هدایتگر مراحل بعدی) مقید نموده و از سوی دیگر صرفاً آن دسته از حقوق متهم که در این مرحله

۱- ماده ۶۳- تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

هدف خود را تضمین بُعد جسمانی متهم (به‌عنوان ابتدایی‌ترین حقوق هر فرد که به‌طور شایع مورد نقض قرار می‌گیرد) قرار داده‌اند، مطالعه می‌نماید. با این دو قید، چهار حق برای متهم تصور شده است که عبارت‌اند از: ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت سلب آزادی، ضرورت تسریع در رسیدگی و حق بر مراقبت و توجه پزشکی.

در مسیر نیل به هدف موردنظر (شناساندن کاستی‌های احتمالی در قوانین داخلی) تلاش شده از مطالعه‌ی تطبیقی قوانین ایران با قوانین فرانسه، به‌عنوان الگوی تأثیرگذار در قوانین داخلی ایران، استفاده شود.

برایند کلی چنین تطبیقی آن بوده که نوعی رویکرد حمایتی از حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ایران قابل‌مشاهده است. در این قانون مقنن با استفاده از تجربیات سایر کشورها گام‌های روبه‌جلوی بسیاری در ابعاد مختلف برداشته و پیشرفت‌های محسوسی حاصل شده است. جلوه‌های قانونی حمایت از حقوق مرتبط با وضعیت جسمانی متهم حاکی از این است که تقریباً در تمامی موارد (ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت سلب آزادی، ضرورت تسریع در رسیدگی و مراقبت و توجه پزشکی)، مقنن تلاش نموده راه‌کاری مناسب و کامل اتخاذ نماید؛ باین‌حال در تمام ابعاد و موارد این هدف حاصل نشده و برخی مواد قانونی برای دستیابی به شرایطی ایدئال نیازمند بازنگری هستند.

در بیان جزئی‌تر، در خصوص «منع شکنجه» در مجموع با در نظر گرفتن قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و قانون حفظ حقوق شهروندی باید چنین نتیجه گرفت که علی‌رغم پیشرفت‌های بسیار، همچنان قوانین موجود در جهت مبارزه با اشکال غیرمستقیم شکنجه یا شکنجه‌هایی که تنها به‌قصد گرفتن اقرار نیستند، ضعف داشته و نیازمند اعمال اصلاحات هستند.

در خصوص «ممنوعیت سلب آزادی از متهم» بر اساس مفاد قانون آیین دادرسی کیفری از یک‌سو باید یک دلیل مناسب برای سلب آزادی متهم وجود داشته باشد و از سوی دیگر با فرض وجود این دلیل هم مدت سلب آزادی نمی‌تواند از مدت مقرر (۲۴ ساعت) بیشتر شود. این رویکرد نشان‌گر توجه قانون‌گذار به حفظ حقوق متهم است، اما نکته‌ای که از دید مقنن دورمانده است، نداشتن رویکردی افتراقی در جرائم

امنیتی است.

در خصوص «تسریع در رسیدگی» همان رویکردی حمایتی لحاظ شده و مقرر می‌شود از زمان آغاز دستگیری تا شروع تحقیقات از سوی بازپرس در هر صورت نباید بیش از ۲۴ ساعت طول بکشد.

«مراقبت و توجه پزشکی» نیز موضوعی بوده که مغفول واقع نشده است. در قانون دادرسی کیفری ایران همچون فرانسه در شروع تحت‌نظر، متهم یا یکی از آشنایان او حق دارند که درخواست معاینه‌ی پزشکی نمایند. همچنین استفاده از ماده ۵۲ همین قانون، ضابطان مکلف هستند چنین حقی را به متهم اعلام نمایند. در صورت عدم رعایت هر یک از این دو حق، ضمانت اجرا انفصال از خدمت برای متخلف (ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری) در نظر گرفته خواهد شد. البته مناسب است در جهت حفظ هر چه بیشتر منافع متهم، ابطال رسیدگی‌های صورت گرفته نیز پیش‌بینی شود. در این مورد برخلاف قانون فرانسه، دادستان مستقلاً حق درخواست معاینه پزشکی ندارد که می‌تواند مانعی بر ادعاهای بعدی متهم مبنی بر شکنجه (جسمی) شدن باشد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی چنین امری نیز منشأ اثرات مفیدی باشد.

## منابع

- بوریگان، ژاک (۱۳۷۸)، «جرائم علیه بشریت در حقوق فرانسه یا انسان‌ها علیه بشر»، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی و منوچهر خزایی، مجله مجتمعات آموزش عالی قم، شماره ۱، بهار.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۶)، «حق آزادی و امنیت شخصی در نظام حقوق بشر و نظام حقوقی ایران»، به راهنمایی: محمد آشوری، دانشگاه تهران (مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر).
- تدین، عباس (۱۳۹۱)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، انتشارات خرسندی.
- ترشل، استنان؛ سامرز، سارا (۱۳۸۵)، «دادرسی عادلانه در امور جنائی»، ترجمه: علی شایان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷، ۵۶، پاییز و زمستان.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۹۰)، «برتری معاهدات بین‌المللی نسبت به قوانین داخلی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۶.
- شفاهی، علی (۱۳۹۳)، «نگاه حقوق جزای بین‌الملل به شکنجه»، *پژوهشنامه فقه اسلامی و مبانی حقوق*، دوره ۸، شماره ۲۹، بهار و تابستان.
- عبدالهی، اسماعیل؛ منفرد، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی راهبردهای پیشگیری و مبارزه با شکنجه در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی بوشهر*، شماره ۵، دوره ۲، تابستان.
- قاسمی مقدم، حسن (۱۳۹۴)، «تفہیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ششم، شماره ۲، آذر.
- معاونت حقوقی قوه قضاییه (۱۳۹۱)، *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*، [برگردان] عباس تدین: تهران، انتشارات خرسندی.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

### قوانین و معاهدات مورد استناد

- قانون اساسی جمهوری اسلامی
- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی ۱۳۸۳
- قانون مجازات اسلامی [کتاب تعزیرات] مصوب ۱۳۷۵
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
- Consensus conference, (2004). "Doctors attending detainees in police custody", Paris, 2-3 December 2004, pp 5.
- Krishnan, J. K. Raj Kumar, C. (2011). " Delay in Process, Denial of Justice: The Jurisprudence and Empirics of Speedy Trials in Comparative Perspective", *Georgetown Journal of International Law*, Vol. 42, April 2011: pp 753.
- Leary, V. A. (1994). "The Right to Health in International Human Rights



- Law", Health and Human Rights, Volume 1, No. 1, 1994: pp 28.
- Stevens, H. C. (1998), "Pre-trial release: Concepts, Issues and Strategies for Improvement", in research in correction, vol. 1, Issue 3, 1998: pp 53.
  - Tolbert, D. Gaynor, F. (2009). " International Tribunals and the Right to a Speedy Trial: Problems and Possible Remedies", Law in Context, Vol. 27, 2009: 35.
  - Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment
  - France Penal Code
  - The European Convention For the protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, European (ECHR)

